۱۱۴۱

رساله دردوران خون

؟

ن ز ح

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اداره مخطوطات

نام کتاب: رساله در گردش خون

مؤلف متن: از مؤلفان ... محشی ...

شارح ... مترجم ...

تاریخ تحریر: سده ۱۴ نوع خط: نستعلیق تعداد سطر: مختلف

نام کاتب ...

موضوع: پزشکی زبان: فارسی عدد اوراق: ۴۰

طول: ۲۲ عرض: ۱۷/۵ شماره عمومی: ۳۵۹۷۴

وقفی / خریداری: قدام مقام حجی تاریخ وقف: مهر ۱۰۲۸۶

ملاحظات

در عنوان «دوران خون» دم

فهرست شد

بسم الله الرحمن الرحیم

تشریح قلب و عروق و عمل آن

مدت زمانی است که حرکت دم را در عروق سیاه اند زیرا که همیشه ملاحظه نموده که چون زخمی
به بدن انسان یا حیوانی رسد سیلان دم می‌شود و بیشتر عارض گردد قبل از ظهور علم اطبا و دانایان
علم طب هر دم به واسطه کثرت خودشان این مطلب را فهمیده بودند چون قدما اجسام مرده حیوانات را
می‌دیدند برای اکل ملاحظه می‌نمودند که بعضی آلات دارای دم کثیر و برخی دارای دم قلیل اند
چون ابتدای بنای علم تشریح نخستین فکری که حکما نمودند این بود که این دم که از زخم یا جراحت
خارج می‌شود باید از آن آلتی که دارای دم کثیر اند باشد و آن آلت عبارت بود از قلب و کبد

ابتدای بنای تشریح و عمل آن و دوران دم

در نخستین زمانی که به این فکر افتادند تا توضیح این مطلب بسیار به طول انجامید حال که تشریح این
آلات و عمل آنها را دیده‌ایم تعجب می‌نماییم که چگونه این مطلب در مدت‌های مدید مخفی و پوشیده بود
نخستین مطلبی که باید ذکر نماییم این است که چرا به طول انجامید تکمیل و توضیح این مطالب و چگونه
شد که حکمای بزرگ مانند ارسطو و جالینوس به طور صحیح دوران دم را نفهمیده با وجودی که
حیوانات کثیری تشریح نموده بودند جهت آنکه چون حیوانی کشته یا مرده را تشریح می‌نمودند
ملاحظه می‌کردند نظر به اینکه ملتبت شرائین است خالی از دم چنین حکم کردند که حاوی

اورده

اورده ارکید و قلب به بدن از واسطه اوست عجب این است که حکما در مدت هزار سال ملتفت نشدند
به حرکت دم در شرائین و خالی و ممتلی شدن آن از دم و حین انقباض و انبساط و گشودن حرکت
شرائین به واسطه هوای مستنشق است و از جمله براهینی که آورده‌اند این است که چون شرائین را
قطع نماییم خروج دم بالمبادرت به خروج و سکون دم را به واسطه دخول هوا نسبت داده‌اند و این
قول صحیح نیست به دلایلی که بعد از این ذکر خواهیم داشت

(تشریح قلب)

چون حیوانی را مانند گوسفند ذبح نموده پوست کنند و عظم قص و اضلاع متصل به دو را بردارند
در جوف صدر در خلال تام دیده می‌شود که در طرفین آن دو ریه واقع است و در وسط آنها که
مایل به جانب ایسر است اصل قلب در جوف غلافی که چون ملاحظه آن نماید غلاف مذکور را شکافت
و این غلاف را البولیته پریکارد یعنی غشاء خارجی قلب نامند این غشاء قلب را مانند
کیسه احاطه نموده و مابین غشاء خارجی قلب انسان و سایر حیوانات تفاوت
کلی است در انسان و چند جنس حیوانی این غشاء در جانب اسفل با حجاب حاجز ملتصق است
به طوری که جانب اسفل آن سطح فوقانی حجاب حاجز گردیده است و از هم جدا نمی‌توان نمود
در اکثر حیوانات مانند گوسفند چون ملاحظه نماییم دیده می‌شود که این غشاء از جانب اسفل
مسدود است و مابین آن و حجاب حاجز زاویه‌ای واقع است از جانب اعلای

که عبور می‌کنند ماغ غذا را و میرسانند بجمیع بدن که گویا معاء آنها نیز از قلب است

اده نام که در ۵۰۰ سال قبل از این دوران دم را سپید الشود در حیوانات لپتانه و طیور دید

ماهی دوران دم آنها فرق است و آن این است که در حیوانات لپتانه الطبیعی دو دهلیز

آنها بیکدیگر راه ندارند و در طیور برخلاف راه است حیواناتی که در دوران دم آنها دو

دایره است آنها را حیوانات خون گرم نامند و آنهائیکه یک دایره دارند خون سرد

در بعضی حیوانات لپتانه این مجرای این دو دهلیز وقت ی هست و یک مجرای دیگری

نیز این آورد و شریانی ریه آنهاست به حیثیتی که مختلط نمود دم لطیفی دو دهلیز این است

دم حیوانات لپتانه و طیور مانند دم انسان احمر است و کلبول آنها مختلف است چنانکه

در طیور شکل آنها بیضی است و در ان ی و سایر حیوانات لپتانه مدور است مگر در شتر که

کلبول دم آن بیضی است

(در [illegible])

یعنی حیواناتیکه به شکم روند دوران دم شان با پستانداران تفاوت دارند زیرا که دم شریانی

و وریدی آنها مانند بعضی در قلب یا قریب به قلب مختلط گردند و این حیوانات را خون سرد

خون سرد می‌نامند حرارت که مدرجه داشته باشند ندارند چنانکه معلوم گفت که قلب این حیوانات

ساخته شده است از یک بطن و دو دهلیز بطوری که دمیکه بواسطه شریانی وریدی وارد دهلیز

ایسر شو

ایسر شود و دمیکه بواسطه ورده وارد دهلیز ایمن میگردد در بطن با یکدیگر مختلط گردند و حوت البقیعض

که دو دم او قسمت ده شود در شریان ریه و ریه وارد آورد و تمام بدن ده میشود بطوری که اجزای

بطن اجسام شریانها و سیاه اندامی آورد و شریان ریه چنانچه در پوسمار دیده شود پس معلوم

که در این حیوانات که صاحب دو بطن هستند دم احمر ناصح وقت نمی‌شود مگر دو سه دقیقه‌ای

شریانیکه مرکزی به دهلیز ایسر دم خالص در این حیوانات دمیکه در شریانها سیاه است مانند

سایر حیوانات لپتانه بلکه مخلوط است از دم احمر ناصح و دم احمر تام چون این حیوانات

سرخ تر و کلبول آنها بیضی است و بزرگتر از کلبول حیوانات لپتانه است قطر آنها از ۵

الی ۶ هزارم میلیمتر است و در ضفدع دو صدم میلیمتر قطر دارند

در دوران دم ماهی

قلب ماهی واقع است در تحت ماهی جرادمی در زیر گلوی آن و ساخته شده است

از یک دهلیز و یک بطن و دمیکه در این قلب است احمر تام است مانند قلب سایر حیوانات

لپتانه و پرنده‌ها و در این حیوانات مساوی است با فقرات آنها دیده می‌شود یک

شریانی بزرگی صاحب قوه قبض و بسط و در این شریانها دم احمر است که منقسم به قسمت ده

می‌شود در آلات تنفس در آلت رحب نماید به دهلیز و بطن و در آنجا بریه که در ماهی

موسوم است به برانشی و در آنجا تبدیل با احمر ناصح گشته از آنجا وارد این شریانها

۴۰

تمام شد [illegible] مصحح است و کلمه‌های آن قریب است ماهی [illegible] مرکب بود

فی شهر ربیع الثانی [illegible] و عشرین [illegible] المولفه فی دور الدم

و [illegible] خمس و ثلثه مائه و الف من الهجره

النبویه علیه آلاف التحیه و الثنیه راقم الحروف

محمود [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۲۲۳